



ذکر زبانی و قلبی

مولوی بر این باور است که ذاکر باید با تمام وجود در ذکر غرق گشته و از هستی خود، تهی شده باشد تا

ذکر بر او تاثیر بگذارد، و گرنه ذکر زبانی صرف، تاثیر چندانی بر جان او نخواهد گذاشت :

عام می خوانند هر دم نام پاک این عمل نکند چون نبود عشقناک

آنچه عیسی کرده بود از نام هو می شدی پیدا ورا از نام او

خالی از خود بود و پر از عشق دوست پس ز کوزه آن تلابد که دروست

تاثیر ذکر، ارتباط مستقیمی با پاکی و خلوص نیت و جایگاه باطنی ذاکر دارد. مولوی این موضوع را در

ضمن حکایت «عیسی و همراه ابله او» این گونه بیان داشته است :

گشت با عیسی یکی ابله رفیق استخوانها دید در حفره عمیق

گفت ای همراه آن نام سنی که بدان تو مرده را زنده کنی

مر مرا آموز تا احسان کنم استخوانها را بدان با جان کنم

گفت خامش کن، که آن کار تو نیست لایق انفاس و گفتار تو نیست

کان نَفَس خواهد ز باران پاک تر وز فرشته در روش، درآک تر

عمرها بایست تا دم پاک شد تا امین مخزن افلاک شد

خود گرفتی این عصا در دست راست دست را دستان موسی از کجاست

مولوی این مفهوم را در جای دیگری با ذکر تمثیلی این گونه بیان داشته است:

مُشک را بر تن مَزَن، بر دل بمال مُشک چه بود؟ نام پاک ذوالجلال

آن منافق، مُشک بر تن می نهد روح را در قعر گلخن می نهد

بر زبان نام حق و در جان او گندها از فکر بی ایمان او



• تهران - میدان ۷ تیر - خیابان قائم مقام - نرسیده به خیابان فجر - نبش کوچه سام - پلاک ۱۷ - طبقه ۴
• تلفکس : ۵ - ۸۸۳۴۹۶۷۰ (۰۲۱) - فاکس : ۸۸۳۴۹۶۷۳ (۰۲۱)

• URL:www.parsnamaddata.com

• [E-mail : info@parsnamaddata.com](mailto:E-mail:info@parsnamaddata.com)

این موضوع نیز قابل یادآوری است که از دیدگاه عرفا، این ذکر زبانی است که با تکرار و مداومت، به ذکر

قلبی تبدیل می شود. از این رو، پیران طریقت، همواره به مریدان خود اندرز می دهند که بر ذکر زبانی مداومت بورزید تا به ذکر قلبی برسید.

شمس معتقد است که عارف از ذکر و یادکرد خداوند که محبوب و معشوق واقعی اوست، هرگز خسته نمی شود. مولوی نیز همین مفهوم را در مثنوی خود بیان داشته و معتقد است ذکر و یاد حق برای سالک به منزله آب و غذاست و عارف با شنیدن نام محبوب خستگی خویش را به فراموشی می سپارد.